Original Article Open Access

Health Law Journal

2025; 3: e20

International ThinkTank of Human Dignity | The Bioethics and Health Law Institute | The Iranian Association of Medical Law

The Role of Criminal Law in Ensuring the Right to Food in Developed and Developing Countries

Seyyed Sajjad Kazemi[1*], Ahou Rasuli[1]

1. Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, Malayar University, Malayar, Iran.

ABSTRACT

Background and Objective: Food security is one of the criteria and necessities of human development. The right to access sufficient and safe food is a central pillar of development, societal health, and the foundation for future generations. In this regard, criminal law can provide a set of tools to guarantee this right. This research comparatively examines the effects of criminal law on guaranteeing the right to nutrition in developed and developing countries. The main objective is to compare the common criminal law policies, legislation, and mechanisms in these two categories of countries to promote food rights and monitoring institutions in the realm of food security and the prevention of malnutrition.

Method: This research was written using various legal sources, employing an analytical-comparative method and relying on library resources.

Ethical Considerations: In this research, while respecting the originality of the texts, honesty and integrity have been observed.

Findings: In this research, the findings indicate major differences in the relevant criminal law structures, the extent and type of policymaking, and international cooperation at the national level.

Conclusion: While developed countries benefit from advanced and capable mechanisms to guarantee access to healthy nutrition, developing countries face challenges such as weak relevant criminal law systems, resource shortages, and social inequalities that hinder the full realization of the right to nutrition.

Keywords: Right to Nutrition; Right to Health; Food Security; Developing Countries; Developed Countries

Corresponding Author: Seyyed Sajjad Kazemi; **Email:** sskazemi92@malayeru.ac.ir

Received: September 28, 2025; **Accepted:** November 06, 2025; **Published Online:** December 16, 2025

Please cite this article as:

Kazemi SS, Rasuli A. The Role of Criminal Law in Ensuring the Right to Food in Developed and Developing Countries. Health Law Journal. 2025; 3: e20.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

Copyright©2025, the Authors. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format for any purpose, even commercially) and Adapt (remix, transform and build upon the material for any purpose, even commercially) under CC BY 4.0 terms.

دسترسی آزاد | مقاله پژوهشی

مجله حقوق سلامت

دوره سوم، ۱۴۰۴

نقش حقوق کیفری در تضمین حق تغذیه در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه

سیدسجاد کاظمی[1*] آهو رسولی[1]

۱. گروه حقوق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: امنیت غذایی یکی از معیارها و لوازم توسعه انسانی است. حق دسترسی به غذای کافی و سالم از محورهای اصلی توسعه، سلامت جامعه و زیرساخت‌های نسل‌های آینده است. در این راستا حقوق کیفری می‌تواند مجموعه‌ای از ابزارها را برای تضمین این حق فراهم نماید. این پژوهش به نحو تطبیقی به بررسی تأثیرات حقوق کیفری بر تضمین حق تغذیه در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه می‌پردازد. هدف اصلی، مقایسه سیاست‌ها، قوانین و سازوکارهای حقوق کیفری متداول در این دو دسته کشورها به منظور ارتقای حقوق غذایی و نهادهای ناظر در حوزه امنیت غذایی و پیشگیری از سوءتغذیه است.

روش: این پژوهش با بهره‌گیری از منابع حقوقی مختلف به روش تحلیلی ـ تطبیقی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای نگارش یافته است.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: در این پژوهش، یافته‌ها نشان‌دهنده تفاوت‌های عمده در ساختارهای حقوق کیفری مرتبط، میزان و نوع سیاستگذاری و همکاری‌های بین‌المللی در سطح کشورها است.

نتیجه‌گیری: در حالی که کشورهای توسعه‌یافته بهره‌مند از سازوکارهای پیشرفته و توانمند در تضمین دسترسی به تغذیه سالم هستند، کشورهای در حال توسعه با چالش‌هایی نظیر ضعف سیستم حقوق کیفری مرتبط، کمبود منابع و نابرابری‌های اجتماعی مواجه‌اند که مانع تحقق کامل حق تغذیه می‌شود.

واژگان کلیدی: حق تغذیه؛ حق سلامت؛ امنیت غذایی؛ کشورهای در حال توسعه؛ کشورهای توسعه‌یافته

نویسنده مسئول: سیدسجاد کاظمی؛ **پست الکترونیک:** sskazemi92@malayeru.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۶؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۴/۰۸/۱۵؛ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۴/۰۹/۲۵

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Kazemi SS, Rasuli A. The Role of Criminal Law in Ensuring the Right to Food in Developed and Developing Countries. Health Law Journal. 2025; 3: e20.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

مقدمه

در طول تاریخ، همزمان با تحول ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، مفهوم غذا نیز از یک نیاز طبیعی صرف فراتر رفته و به تدریج در قالب یک حق بنیادین در حوزه حقوق بشر و حقوق اجتماعی جای گرفته است. امروزه دسترسی به غذای کافی، سالم و مغذی، نه‌تنها به عنوان ضرورتی زیستی، بلکه به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه انسانی، سلامت عمومی و رفاه اجتماعی شناخته می‌شود. در این میان، امنیت غذایی به عنوان شاخصی کلیدی در سنجش میزان تحقق عدالت اجتماعی و توسعه پایدار، اهمیت ویژه‌ای یافته است. با توجه به گسترش بحران‌های جهانی مانند فقر، تغییرات اقلیمی، جنگ و بحران‌های بهداشتی، تضمین حق تغذیه به یکی از دغدغه‌های مهم سیاستگذاران و نظام‌های حقوقی بدل شده است. در این راستا، حقوق کیفری می‌تواند نقشی مؤثر در پیشگیری، مقابله و برخورد با تهدیدات علیه امنیت غذایی ایفا کند، از جمله از طریق جرم‌انگاری فساد در زنجیره تأمین غذا، تقلب در مواد خوراکی و ممانعت از دسترسی عادلانه به منابع غذایی. با این حال، میزان و نوع مداخله حقوق کیفری در حوزه حق تغذیه، در کشورهای مختلف بسته به سطح توسعه‌یافتگی، زیرساخت‌های قانونی، ظرفیت نهادی و میزان تعهد به اصول حقوق بشر، تفاوت‌های چشم‌گیری دارد. مقاله حاضر در پی آن است تا به صورت تطبیقی، تأثیر حقوق کیفری بر تضمین حق تغذیه را در دو دسته از کشورها، یعنی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه بررسی کرده و نقاط قوت، ضعف و قابلیت‌های موجود را تحلیل نماید. جوامع انسانی برای تأمین غذا به عنوان یک نیاز حیاتی تلاش کرده‌اند، اما در دوران معاصر، این نیاز از سطح صرفاً فیزیولوژیکی فراتر رفته و به عنوان یک «حق بنیادین بشری» شناخته شده است. حق بر غذا، در اسناد مهم بین‌المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۲۵) و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ماده ۱۱) به رسمیت شناخته شده و کشورها را موظف به تضمین دسترسی همه افراد به غذای کافی، سالم، پایدار و قابل قبول فرهنگی کرده است. تغذیه مناسب تنها ضامن بقای جسمانی نیست، بلکه پیش‌شرط تحقق توسعه پایدار، بهداشت عمومی، عدالت اجتماعی و امنیت ملی محسوب می‌شود. دسترسی پایدار و عادلانه به غذا، مستقیماً با فقر، نابرابری، تبعیض، فساد و بحران‌های انسانی مرتبط است. از این رو مداخلات حقوقی و نهادی برای تضمین این حق، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در این میان، «حقوق کیفری» به عنوان یکی از ابزارهای مهم نظام عدالت کیفری می‌تواند با هدف بازدارندگی، تنبیه و اصلاح رفتارهای ناقض حق تغذیه، نقشی مؤثر ایفا کند. حقوق کیفری، با جرم‌انگاری رفتارهایی چون احتکار مواد غذایی، تقلب در تولید یا توزیع غذا، قاچاق مواد خوراکی، تخریب محیط زیست کشاورزی، آلوده‌سازی منابع آبی یا اراضی زراعی و نیز کوتاهی در اجرای سیاست‌های حمایتی از اقشار آسیب‌پذیر، می‌تواند از راه تنبیه و پیشگیری، در خدمت صیانت از امنیت غذایی قرار گیرد. با این حال، نوع و میزان بهره‌گیری از ابزارهای کیفری در کشورهای مختلف، تابعی از وضعیت اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و سیاسی آن کشورهاست. در کشورهای توسعه‌یافته، نظام‌های حقوقی پیشرفته و ساختارهای اجرایی منسجم، زمینه اجرای مؤثر سیاست‌های کیفری در حوزه امنیت غذایی را فراهم کرده‌اند. در مقابل، کشورهای در حال توسعه غالباً با چالش‌هایی مانند ضعف نهادهای نظارتی، فقر ساختاری، ناکارآمدی قانونگذاری کیفری، کمبود منابع انسانی و مالی و بعضاً فساد ساختاری رو به رو هستند که موجب می‌شود حقوق کیفری نتواند به صورت مؤثر از حق تغذیه صیانت کند.

روش

در این پژوهش تلاش می‌شود تا با نگاهی تطبیقی، تأثیر حقوق کیفری بر تضمین حق تغذیه در دو گروه از کشورها ـ توسعه‌یافته و در حال توسعه ـ مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

هدف آن است که ضمن تبیین نقاط قوت و ضعف سیاست‌های کیفری در هر گروه، راهکارهایی برای بهبود عملکرد نظام‌های کیفری در راستای تضمین حق تغذیه ارائه شود. این پژوهش می‌کوشد به پرسش‌های زیر پاسخ دهد: نظام‌های کیفری در کشورهای توسعه‌یافته چگونه از حق تغذیه حمایت می‌کنند؟ چالش‌های ساختاری و حقوقی کشورهای در حال توسعه در این زمینه چیست؟ و در نهایت چه درس‌هایی از تجارب کشورهای توسعه‌یافته می‌توان برای بهبود وضعیت کشورهای در حال توسعه آموخت.

بحث

۱. تغذیه؛ از نیاز بنیادین تا حق بنیادین بشر: تغذیه باید به عنوان یک حق اساسی شناخته شود، زیرا تأمین غذای کافی، سالم و برای هر انسان، پایه‌ای‌ترین نیاز برای بقای زیستی و حفظ کرامت انسانی است. بدون دسترسی به تغذیه مناسب، افراد قادر به حفظ سلامت جسمانی و روانی خود نیستند و این موضوع مستقیماً بر حق زندگی، سلامت و رشد انسانی تأثیر می‌گذارد (۱). شناخت تغذیه به عنوان حق، دولت‌ها را موظف می‌کند تا در چهارچوب مسئولیت‌های حقوق بشری، سیاست‌ها و سازوکارهایی را به اجرا بگذارند که مانع گرسنگی، سوءتغذیه و محرومیت غذایی شود. این حق فراتر از یک نیاز صرفاً فیزیولوژیک است و با مفاهیمی چون عدالت اجتماعی، برابری و عدم تبعیض گره خورده است، زیرا تضمین دسترسی به غذا برای همه اقشار جامعه، به ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر، نشان‌دهنده احترام به کرامت انسانی و تحقق عدالت اجتماعی است (۲). علاوه بر این، تغذیه به عنوان حق، چهارچوبی قانونی و سیاسی فراهم می‌آورد که امکان پیگیری حقوقی و مطالبه‌گری اجتماعی را ایجاد می‌کند. این موضوع باعث می‌شود که افراد و جوامع بتوانند در برابر نابرابری‌ها و سیاست‌های ناکارآمد مقابله کنند و دولت‌ها را پاسخگو نگه دارند. به عبارت دیگر، حقوقی‌کردن تغذیه به معنای تعهد اجتماعی و سیاسی برای تحقق امنیت غذایی پایدار و همه‌جانبه است که این امر به نفع سلامت عمومی، توسعه اقتصادی و ثبات اجتماعی جامعه خواهد بود (۳). تغذیه باید به عنوان یک حق اساسی شناخته شود، زیرا پایه‌ای‌ترین نیاز برای بقای زیستی و حفظ کرامت انسانی است. بدون دسترسی به تغذیه مناسب، افراد قادر به حفظ سلامت جسمانی و روانی خود نیستند و این موضوع مستقیماً بر حق زندگی، سلامت و رشد انسانی تأثیر می‌گذارد (۱).

شناخت تغذیه به عنوان حق، دولت‌ها را موظف می‌کند تا در چهارچوب مسئولیت‌های حقوق بشری، سیاست‌ها و سازوکارهایی را به اجرا بگذارند که مانع گرسنگی، سوءتغذیه و محرومیت غذایی شود. علاوه بر این، تغذیه به عنوان حق، چهارچوبی قانونی و سیاسی فراهم می‌آورد که امکان پیگیری حقوقی و مطالبه‌گری اجتماعی را ایجاد می‌کند. این موضوع باعث می‌شود که افراد و جوامع بتوانند در برابر نابرابری‌ها و سیاست‌های ناکارآمد مقابله کنند و دولت‌ها را پاسخگو نگه دارند. به عبارت دیگر، حقوقی‌کردن تغذیه به معنای تعهد اجتماعی و سیاسی برای تحقق امنیت غذایی پایدار و همه‌جانبه است که این امر به نفع سلامت عمومی، توسعه اقتصادی و ثبات اجتماعی جامعه خواهد بود (۳).

مفهوم حق تغذیه فراتر از صرف تأمین کالری است و به معنای تضمین امنیت غذایی به صورت پایدار و در دسترس برای همه اقشار جامعه، بدون تبعیض و نابرابری می‌باشد. این امنیت غذایی به معنی دسترسی به منابع غذایی به اندازه‌ای است که افراد بتوانند نیازهای تغذیه‌ای خود را به طور کامل و مستمر برآورده کنند، بدون اینکه با خطر گرسنگی، سوءتغذیه یا بیماری‌های مرتبط مواجه شوند. فقدان حق تغذیه در یک جامعه پیامدهایی عمیق و چندلایه به دنبال دارد که نه‌تنها بر سلامت جسمی و روانی افراد، بلکه بر پایداری اقتصادی، اجتماعی و حتی مشروعیت حکومت تأثیرگذار است. نخستین

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

و بدیهی‌ترین اثر نقض این حق، گسترش فقر و نابرابری اجتماعی است. افرادی که از دسترسی مستمر و مناسب به غذا محروم‌اند، معمولاً وارد چرخه‌ای معیوب از سوءتغذیه، کاهش بهره‌وری جسمی و ذهنی، و در نتیجه فقر اقتصادی می‌شوند. این فرآیند در کشورهای در حال توسعه که زیرساخت‌های حمایتی ضعیف‌تری دارند، به بازتولید نابرابری‌های ساختاری و تشدید فقر چندبعدی منجر می‌شود (۴).

نبود تغذیه مناسب همچنین تهدیدی مستقیم برای سلامت عمومی به شمار می‌رود. سوءتغذیه، به ویژه در میان کودکان، زنان باردار و سالمندان، می‌تواند منجر به بیماری‌هایی نظیر کم‌خونی، ضعف سیستم ایمنی، اختلال رشد، دیابت و مشکلات قلبی ـ عروقی شود. سازمان بهداشت جهانی گزارش داده است که تقریباً ۴۵ درصد از مرگ و میر کودکان زیر پنج سال در جهان ناشی از سوءتغذیه است (۵). این وضعیت، افزون بر آثار انسانی آن، هزینه‌های اقتصادی هنگفتی را به نظام سلامت عمومی تحمیل می‌کند و منابع محدود کشور را به جای توسعه، صرف درمان آسیب‌های قابل پیشگیری می‌سازد. از منظر اقتصادی، نبود دسترسی به غذای کافی و سالم منجر به تضعیف سرمایه انسانی می‌شود. افراد گرسنه یا دچار سوءتغذیه، توان جسمی و روانی لازم برای کار، تحصیل و فعالیت اجتماعی را ندارند. همین امر موجب کاهش بهره‌وری و رشد اقتصادی در سطح ملی می‌شود. طبق برآورد بانک جهانی، کشورهایی که با نرخ بالای سوءتغذیه مواجه‌اند، سالانه بین ۲ تا ۳ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را از دست می‌دهند (۶). در ایران نیز پژوهش‌های داخلی نشان داده‌اند که در مناطق محروم، سوءتغذیه ارتباط مستقیمی با افت تحصیلی دانش‌آموزان و ترک تحصیل دارد (۷).

در کنار پیامدهای سلامت‌محور و اقتصادی، بحران تغذیه می‌تواند منشأ شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی و افزایش جرائم خرد شود. در جوامعی که بخشی از جمعیت به نیازهای اولیه خود دسترسی ندارد، بستر برای بروز سرقت، تکدی‌گری، قاچاق، خشونت خانگی و مهاجرت غیر قانونی فراهم می‌شود. گرسنگی، به ویژه زمانی که ناشی از تبعیض یا ناکارآمدی سیستم حاکم باشد، می‌تواند احساس بی‌عدالتی اجتماعی را افزایش داده و منجر به شورش، اغتشاش یا افراط‌گرایی شود (۸). نمونه‌های متعددی در کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین وجود دارد که افزایش ناگهانی قیمت نان یا کمبود کالاهای اساسی، اعتراضات گسترده اجتماعی و حتی سقوط دولت‌ها را در پی داشته است. نبود دسترسی به تغذیه مناسب همچنین تهدیدی برای مشروعیت دولت‌ها به شمار می‌رود. طبق اسناد بین‌المللی حقوق بشر، دولت‌ها موظف‌اند از طریق سیاستگذاری‌های مؤثر، دسترسی عمومی به غذای کافی، سالم و پایدار را تضمین کنند. ناتوانی در تحقق این تعهد نه‌تنها یک ناکامی اجرایی، بلکه نقض کرامت انسانی و حقوق بنیادین شهروندان محسوب می‌شود. در برخی شرایط، محروم‌سازی عامدانه گروهی از مردم از غذا می‌تواند مصداق رفتار غیر انسانی، شکنجه یا حتی جنایت علیه بشریت تلقی شود (۱).

بدین‌ترتیب روشن است که تغذیه صرفاً یک نیاز بیولوژیک نیست، بلکه عنصری بنیادین از حقوق بشر، امنیت اجتماعی و توسعه پایدار است. هرگونه غفلت از آن، چه به دلیل فقر اقتصادی، فساد اداری، ضعف سیاستگذاری یا بی‌عدالتی ساختاری، می‌تواند عواقب گسترده‌ای برای کل جامعه به همراه داشته باشد. از این منظر، تضمین حق تغذیه نه‌فقط یک وظیفه انسانی، بلکه ضرورتی برای حفظ ثبات اجتماعی، سلامت جمعی و اعتبار نظام حاکم به شمار می‌رود.

نخستین سند مهمی که به طور غیر مستقیم به موضوع حق تغذیه اشاره دارد، اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ است که در ماده ۲۵ آن آمده است: «هر انسانی سزاوار سطحی از زندگی است که برای سلامت و رفاه خود و خانواده‌اش، از جمله غذا، پوشاک، مسکن و مراقبت‌های پزشکی کافی باشد» (۹)، هرچند این ماده به صراحت واژه «حق تغذیه» را به کار نمی‌برد، اما بر ضرورت بهره‌مندی از غذا به عنوان عنصر حیاتی زندگی با کرامت تأکید دارد. مهم‌ترین سند الزام‌آور در زمینه حق تغذیه، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ است که در ماده ۱۱ آن به صراحت از «حق هر کس به بهره‌مندی از سطح زندگی کافی برای خود و خانواده‌اش، از جمله غذای کافی» یاد شده و همچنین از دولت‌ها خواسته شده که «اقدامات مقتضی برای تحقق کامل

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

این حق، از جمله از طریق اصلاح نظام‌های تولید، توزیع و مصرف مواد غذایی» اتخاذ کنند (۱۰).

در ادامه، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد در تفسیر عمومی شماره ۱۲ که در سال ۱۹۹۹ منتشر شد، مفهوم حق تغذیه را به طور نظام‌مند تبیین کرد. در این تفسیر، حق تغذیه به عنوان حقی تعریف شده که مستلزم آن است که «غذا باید به لحاظ کمی و کیفی کافی باشد، با نیازهای غذایی و فیزیولوژیکی هر فرد تناسب داشته باشد، بی‌خطر باشد و از لحاظ فرهنگی قابل پذیرش باشد.» همچنین در این سند، سه نوع تعهد برای دولت‌ها مطرح شده است: ۱ـ تعهد به احترام؛ ۲ـ حمایت؛ ۳ـ تحقق حق تغذیه. تعهد به احترام، دولت‌ها را از مداخله منفی مانند قطع منابع غذایی یا محروم‌سازی از دسترسی منع می‌کند؛ تعهد به حمایت، از دولت‌ها می‌خواهد از مردم در برابر اقداماتی که توسط اشخاص ثالث باعث نقض این حق می‌شود محافظت کنند؛ تعهد به تحقق، به معنای اتخاذ سیاست‌ها و اقدامات مثبت برای تأمین تغذیه کافی برای همه است.

علاوه بر این اسناد بنیادین، سایر کنوانسیون‌های حقوق بشری نیز به نحوی بر حق تغذیه تأکید دارند. کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ در ماده ۲۴ بر حق کودک برای دستیابی به بهترین استانداردهای سلامت تأکید می‌کند و دولت‌ها را موظف می‌سازد برای کاهش مرگ و میر نوزادان و کودکان و مبارزه با سوءتغذیه اقدامات مؤثر انجام دهند (۱۱). همچنین کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW: The Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women) نیز در ماده ۱۲، دولت‌ها را ملزم به تأمین تغذیه مناسب برای زنان باردار و شیرده می‌کند (۱۲).

در سطح سازمان‌های تخصصی، سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (FAO: Food and Agriculture Organization of the United Nations) نیز نقش مهمی در توسعه مفاهیم و پیگیری اجرایی‌شدن حق تغذیه دارد (۱۳). این سازمان از دهه ۱۹۹۰ به بعد، در گزارش‌ها و کنفرانس‌های جهانی متعددی مانند نشست جهانی غذا در ۱۹۹۶ و راهنمای داوطلبانه تحقق حق تغذیه کافی در چهارچوب امنیت غذایی ملی (۲۰۰۴ م.) بر ضرورت اعمال مؤثر حق تغذیه در سیاست‌های ملی تأکید کرده است. این راهنما بر اصولی همچون عدم تبعیض، پاسخگویی، مشارکت و شفافیت تأکید دارد و ابزاری برای ترجمه تعهدات بین‌المللی به سیاست‌های ملی تلقی می‌شود.

همچنین در سال‌های اخیر، سازمان ملل متحد از طریق گزارشگران ویژه در حوزه حق بر غذا، نقش مهمی در نظارت و پیشنهاد اصلاحات برای کشورها ایفا کرده است. برای نمونه، اولیویه دو شوتر (Olivier De Schutter) به عنوان گزارشگر ویژه سازمان ملل در حوزه حق غذا، در گزارش‌های خود بر لزوم جرم‌انگاری آگاهانه رفتارهایی که به نقض حق تغذیه می‌انجامند، تأکید کرده است و نقش حقوق کیفری را به عنوان یک ابزار حمایتگر، اما نهایی معرفی کرده است که در کنار سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی معنا می‌یابد (۲).

می‌توان گفت که حق تغذیه در حقوق بین‌الملل، نه‌تنها به عنوان یک تعهد اخلاقی، بلکه به‌مثابه تعهدی حقوقی، شناسایی شده است و کشورهای عضو معاهدات مذکور، ملزم به اتخاذ تدابیر مشخص، تدریجی و مؤثر برای تحقق این حق هستند. ابعاد این حق به گونه‌ای گسترده است که عدم تحقق آن می‌تواند منجر به نقض دیگر حقوق بشر شود، از جمله حق زندگی، حق سلامت و حق آموزش. از این رو، تغذیه نه صرفاً یک نیاز، بلکه یک حق بنیادین، قابل پیگیری و الزام‌آور است که بدون تحقق آن، کرامت انسانی نمی‌تواند به طور کامل حفظ شود.

۲. حمایت کیفری از حق تغذیه در ایران: در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، گرچه حق تغذیه به‌صراحت در قانون اساسی ذکر نشده، اما اصول متعددی، از جمله اصل سوم، اصل ۲۹ و اصل ۴۳ به تأمین نیازهای اساسی مانند خوراک و سلامت برای همه آحاد جامعه اشاره دارد. همچنین در سند امنیت غذایی کشور (۱۳۹۱ ش.) نیز تأکید شده که امنیت غذایی و تغذیه سالم باید در زمره حقوق بنیادین مردم قرار گیرد.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

از منظر کیفری، ابزارهایی برای مقابله با تهدیدات علیه امنیت غذایی در قوانین مختلف گنجانده شده است، از جمله:

ـ قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی (۱۳۶۷ ش.): برای مقابله با تخلفات در حوزه مواد غذایی، از جمله عرضه مواد خوراکی فاسد یا تقلبی.

ـ قانون نظام صنفی و مقررات سازمان غذا و دارو: برای کنترل استاندارد تولید و توزیع غذا.

ـ قانون مجازات اسلامی: در بخش تعزیرات، برخی موارد مانند تقلب، احتکار و تهدید بهداشت عمومی را جرم‌انگاری کرده است.

با این حال، چالش‌های عمده‌ای مانع از تحقق عملی نقش مؤثر حقوق کیفری در ایران شده است، از جمله:

ـ تعدد و پراکندگی قوانین و مراجع نظارتی.

ـ ضعف ضمانت اجرا و وابستگی نهادهای نظارتی به قوه مجریه.

ـ کمبود بازرسان متخصص و ناکارآمدی نظارت‌های دوره‌ای.

ـ عدم آموزش کافی به عموم مردم در خصوص حقوق غذایی.

به عنوان نمونه، در برخی موارد دیده شده که مواد خوراکی غیر استاندارد بدون پیگرد مؤثر وارد بازار شده‌اند یا حتی با وجود گزارش‌های مردمی، برخورد قضایی لازم صورت نگرفته است (۱۴).

حقوق کیفری ایران در چهارچوبی محدود و غیر مستقیم به تضمین حق تغذیه کمک می‌کند، از جمله از طریق جرم‌انگاری احتکار، تولید غذای ناسالم و اخلال در نظام توزیع، اما نبود یک سیاست کیفری منسجم و پیشگیرانه در برابر تهدیدهای مربوط به گرسنگی یا کم‌تغذیه، ضعف مهمی در نظام حقوقی ایران محسوب می‌شود. به همین دلیل، پیشنهاد می‌شود:

ـ قانونگذاری خاص در حوزه امنیت غذایی و جرم‌انگاری سوءمدیریت‌های عمدی.

ـ توسعه رویه قضایی و نظریه‌پردازی فقهی ـ حقوقی برای شناسایی حق تغذیه به عنوان یک حق قابل دفاع قضایی.

در حقوق داخلی ایران، اگرچه اصطلاح «حق تغذیه» به طور صریح در قوانین عادی به کار نرفته، اما اصولی همچون اصل سوم و اصل چهل و سوم قانون اساسی، دولت را موظف به تأمین نیازهای اساسی، از جمله خوراک، برای آحاد ملت می‌دانند، نقش حقوق کیفری در این میان از آن جهت اهمیت دارد که به عنوان آخرین ابزار حمایتی، در موارد نقض جدی حق تغذیه می‌تواند وارد عمل شود، از جمله جلوه‌های این حمایت کیفری، جرم‌انگاری احتکار، گران‌فروشی و اختلال در نظام توزیع کالاهای اساسی است که در قانون تعزیرات حکومتی (۱۳۶۷ ش.) و قانون نظام صنفی (۱۳۸۲ ش.) مورد توجه قرار گرفته است. این اقدامات، اگرچه مستقیماً با حق تغذیه ارتباط ندارند، اما در عمل از طریق تنظیم بازار و کنترل دسترسی عمومی به کالاهای خوراکی ضروری، به تضمین نسبی این حق منجر می‌شوند (۱۵).

همچنین در حوزه سلامت و بهداشت مواد غذایی، مواد ۶۸۸ و ۶۸۹ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) به جرم‌انگاری عرضه مواد خوراکی فاسد یا ناسالم پرداخته‌اند. این مقررات از طریق حمایت از سلامت عمومی، به شکل غیر مستقیم از حق تغذیه نیز صیانت می‌کنند، چراکه تغذیه صرفاً به معنای دریافت کالری نیست، بلکه شامل دسترسی به غذای سالم، بهداشتی و مغذی نیز می‌شود (۱۶).

با این حال، به رغم وجود این مقررات پراکنده، نمی‌توان ادعا کرد که نظام کیفری ایران به صورت نظام‌مند و جامع از حق تغذیه به عنوان یک حق اجتماعی مستقل حمایت می‌کند. در قوانین کیفری ایران، هیچ مقرره‌ای وجود ندارد که به صراحت از «حق بر تغذیه کافی» سخن بگوید یا مصادیق نقض آن را به عنوان جرم مستقل مورد شناسایی قرار دهد. سیاست کیفری کشور بیشتر جنبه واکنشی دارد و به جای پیشگیری از بروز فقر غذایی یا تضمین عدالت تغذیه‌ای، صرفاً در صورت بروز اخلال جدی یا آسیب‌های آشکار وارد عمل می‌شود (۱۷). افزون بر این، نبود نهادهای تخصصی نظارتی با اختیارات قضایی در زمینه نظارت بر تحقق حق تغذیه و نبود امکان طرح دعوای حقوقی یا کیفری از سوی شهروندان در صورت نقض این حق، خلأ جدی در ساختار حقوقی و قضایی کشور محسوب می‌شود، اگرچه گاه اخلال در نظام اقتصادی یا سوءمدیریت در تأمین کالاهای اساسی ممکن است تحت عناوین کلی‌تری مانند اخلال در نظام اقتصادی یا تهدید علیه

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

امنیت عمومی (۱۸) پیگرد قانونی یابد، اما این موارد هم معمولاً به انگیزه‌های اقتصادی یا امنیتی توجه دارند و نه به جنبه‌های انسانی و اجتماعی حق تغذیه.

در مجموع، می‌توان گفت حقوق کیفری ایران، گرچه ابزارهایی برای برخورد با برخی تهدیدها علیه امنیت غذایی در اختیار دارد، اما این ابزارها فاقد انسجام، شفافیت و جهت‌گیری مشخص در راستای تضمین حق تغذیه هستند. برای تحقق مؤثر این حق، لازم است قانونگذار با الهام از اسناد بین‌المللی و تجربه کشورهای دیگر، ضمن به رسمیت‌شناختن حق تغذیه در قوانین عادی، مصادیق نقض آن را صراحتاً جرم‌انگاری کرده و مکانیزم‌های قضایی شفاف برای حمایت از آن ایجاد کند. در ایران، هرچند قانون اساسی در اصول سوم و چهل و سوم به لزوم تأمین خوراک به عنوان نیاز اساسی اشاره دارد، اما قوانین عادی، حق تغذیه را به صراحت شناسایی نکرده‌اند. از این رو، برخورد کیفری با احتکار، گران‌فروشی و عرضه مواد غذایی فاسد، به عنوان مکانیسم‌های جایگزینِ محافظت از این حق به کار گرفته شده است (۱۵، ۱۷).

بر اساس قانون تعزیرات حکومتی (۱۳۶۷ ش.) و قانون نظام صنفی (۱۳۸۲ ش.)، جرائمی همچون احتکار کالاهای اساسی، اخلال در نظام توزیع مواد غذایی یا عرضه اقلام خوراکی فاسد با مجازات‌هایی از قبیل جریمه، پلمب محل یا حبس همراه‌اند. همچنین مواد ۶۸۸ و ۶۸۹ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) به صراحت اقدامات مخل سلامت عمومی، از جمله توزیع غذای ناسالم یا آلوده را جرم‌انگاری کرده‌اند. با این حال، چنانکه بسیاری از صاحب‌نظران اشاره کرده‌اند، نبود رویکردی جامع، منسجم و پیشگیرانه در سیاست کیفری ایران موجب شده مداخلات کیفری بیشتر حالت واکنشی داشته باشند تا پیشگیرانه (۱۶).

در حوزه سیاست‌های کیفری کلان، فقدان رویکردی جرم‌انگارانه نسبت به نهادهایی که به طور مستقیم در ایجاد گرسنگی یا سوءتغذیه نقش دارند ـ مانند کارفرمایان بهره‌کش، واسطه‌های احتکارکننده مواد غذایی یا مسببان آلودگی غذایی ـ یکی از چالش‌های اساسی محسوب می‌شود. قانون نظام صنفی، قانون تعزیرات حکومتی و قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان، اگرچه دارای برخی ضمانت‌های اجرایی هستند، اما اغلب ضمانت‌ها جنبه اداری یا اقتصادی دارند و کمتر وارد قلمرو کیفری مؤثر شده‌اند. به همین دلیل، بسیاری از رفتارهایی که در کشورهای توسعه‌یافته به مثابه نقض کیفری حق تغذیه شناخته می‌شوند، در ایران فاقد وصف مجرمانه‌اند (۱۹).

از سوی دیگر، ملاحظات سیاسی، اقتصادی و حتی امنیتی موجب شده که برخورد کیفری با جرائم مرتبط با مواد غذایی در ایران، به طور خاص معطوف به حوزه «احتکار» و «قاچاق» باشد، نه از منظر تضییع حق شهروندان به غذای سالم و کافی. این رویکرد امنیت‌محور به جای انسان‌محوربودن، موجب غلبه نگاه تهدیدمحور بر نگاه حقوق‌محور در سیاست جنایی تغذیه‌ای شده است.

در سیاست جنایی تقنینی، فقدان یک قانون جامع در زمینه «حق بر غذا» یا «عدالت غذایی» و نیز نبود تعریف دقیق از سوءتغذیه به مثابه پدیده‌ای دارای پیامدهای کیفری، باعث شده سیاست جنایی در این حوزه بیش از آنکه پیشگیرانه، حمایتی یا بازدارنده باشد، حالت واکنشی و موردی داشته باشد. افزون بر این، رویه‌های قضایی نیز نشان نمی‌دهند که حق تغذیه به عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر قابل استناد یا بنیاد دعاوی کیفری باشد، مگر در مواردی که با جرائم دیگر مانند قتل، کودک‌آزاری یا سهل‌انگاری آشکار در تغذیه بیماران همراه باشد.

در سیاست جنایی قضایی نیز، گرچه قوه قضاییه به طور کلی در اسناد کلان خود به حمایت از حقوق عامه تأکید کرده است، اما مصادیق اجرای این اصل نسبت به حق تغذیه شفاف نیست. برای مثال، در برنامه تحول قضایی یا بیانیه گام دوم قوه قضاییه، به صورت مستقیم اشاره‌ای به حقوق تغذیه یا مبارزه با گرسنگی نشده است که این خود نشان‌دهنده خلأ در اولویت‌گذاری حقوق اجتماعی در سیاست قضایی کشور است.

از منظر مقایسه‌ای، برخلاف کشورهای توسعه‌یافته که بخشی از مسئولیت تأمین غذا را متوجه نهادهای دولتی و خصوصی کرده‌اند و در صورت قصور، آن‌ها را در برابر قانون پاسخگو

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

می‌دانند، در ایران چنین مسئولیت‌های کیفری به ندرت تعریف شده‌اند، در نتیجه، بسیاری از اقشار آسیب‌پذیر که از سوءتغذیه یا عدم دسترسی به غذای سالم رنج می‌برند، فاقد ابزارهای حقوقی برای پیگیری وضعیت خود در مراجع کیفری هستند.

در مجموع، سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در حوزه حق تغذیه، بیش از آنکه در خدمت تضمین یک حق بنیادین اجتماعی باشد، در حال حاضر رویکردی غیر نظام‌مند، موردی و محدود به برخی جرائم اقتصادی دارد. برای عبور از این وضعیت، نیازمند اصلاحات تقنینی، تحول در نگاه قضایی و به ویژه بازتعریف «حق تغذیه» به عنوان یک حق کیفری قابل حمایت هستیم، چراکه امنیت غذایی، نه صرفاً مسأله‌ای اقتصادی، بلکه بنیادی‌ترین وجه امنیت انسانی است.

حق بر تغذیه مناسب به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر، جایگاهی قابل توجه در حقوق بین‌الملل دارد و اسناد متعددی، از جمله میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR: International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights) آن را شناسایی کرده‌اند. با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۵۴ (۱۹۷۵ م.) به این میثاق ملحق شده است، این حق جنبه‌ای الزام‌آور در حقوق داخلی نیز دارد. ماده ۹ قانون مدنی ایران به صراحت اعلام می‌کند که «مقررات عهودی که مطابق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد، در حکم قانون است» و از این رو میثاق ICESCR در نظام حقوقی ایران قابلیت استناد دارد (۲۰).

در ماده ۱۱ این میثاق، حق هر شخص به داشتن سطحی از زندگی که برای سلامت و رفاه او و خانواده‌اش کافی باشد، به رسمیت شناخته شده است که غذا یکی از مؤلفه‌های اصلی آن است (۲۱). افزون بر این، تفاسیر کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل، به ویژه در تفسیر عمومی شماره ۱۲، دولت‌ها را موظف به احترام، حمایت و تحقق حق تغذیه می‌داند (۲۲).

با وجود این موارد، خلأ مهمی در نظام تقنینی ایران وجود دارد، چراکه هیچ‌گونه مقرره‌ای در راستای تضمین مثبت و ساختاری حق تغذیه برای آحاد جامعه، به ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر مانند کارگران کم‌درآمد، سالمندان یا ساکنان مناطق محروم، به صورت فراگیر و برنامه‌مند تصویب نشده است. برخلاف کشورهایی چون آفریقای جنوبی یا هند که در قوانین اساسی یا قضایی خود صراحتاً از حق غذا به عنوان یک حق مستقل دفاع کرده‌اند (۲۳)، در ایران این مفهوم هنوز در سطح سیاستگذاری کلی باقی مانده و ضمانت اجرایی کافی ندارد.

در عمل نیز عملکرد نهادهایی نظیر کمیته امداد امام خمینی، سازمان بهزیستی و بنیاد مستضعفان، هرچند در راستای کمک غذایی به اقشار خاص عمل می‌کنند، اما ماهیتی خیرخواهانه یا حمایتی دارند و نه حقوق‌محور، در حالی که مطابق تفاسیر بین‌المللی از حق غذا، دولت باید «به طور نهادی، با رویکرد حقوقی و مبتنی بر پاسخگویی» اقدام به تضمین این حق کند. با در نظرگرفتن این وضعیت، می‌توان نتیجه گرفت که با وجود پذیرش تعهدات بین‌المللی و اشارات کلی در قانون اساسی، حق تغذیه در نظام حقوقی ایران هنوز به عنوان یک حق صریح، مستقل و الزام‌آور تقنینی شناسایی نشده است. این خلأ، با خطر نهادینه‌شدن گرسنگی پنهان، سوءتغذیه مزمن و گسترش نابرابری غذایی، به ویژه در مناطق محروم، همراه است و موجب می‌شود تعهدات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در قبال ICESCR و سایر اسناد مشابه، در معرض تضعیف قرار گیرد.

۳. حقوق کیفری و حق تغذیه؛ بررسی مقایسه‌ای: در کشورهای توسعه‌یافته، حق تغذیه نه‌تنها به عنوان یک حق اجتماعی، بلکه به مثابه یک «حق بنیادین بشر» در سیاست‌های عمومی و ساختارهای حقوقی جایگاه والایی یافته است. این کشورها با بهره‌گیری از ظرفیت‌های نظام کیفری، در کنار مکانیسم‌های اداری، اقتصادی و رفاهی، اقدام به جرم‌انگاری برخی از رفتارهایی کرده‌اند که مستقیماً یا غیر مستقیم موجب نقض حق بر غذا می‌شوند. این رویکرد منعکس‌کننده تحولی اساسی در مفهوم «عدالت غذایی» است که از دهه ۱۹۹۰ در گفتمان سیاست جنایی جهانی ظهور کرده است (۲۳).

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

یکی از برجسته‌ترین نمونه‌ها در این زمینه، سیاست کیفری کشورهای عضو اتحادیه اروپا، از جمله فرانسه، آلمان و هلند است. در این کشورها، تأمین حداقلی غذای سالم و کافی برای همه ساکنان، یک تعهد دولتی به شمار می‌رود که عدم رعایت آن، به عنوان نقض فاحش حقوق بشر تلقی می‌شود. به عنوان نمونه، در فرانسه، اصل دسترسی عمومی به غذا در قوانین مربوط به امنیت غذایی و همچنین در قانون مبارزه با تبعیض و طرد اجتماعی لحاظ شده است و تخلف از آن، مشمول مسئولیت کیفری مدیران مؤسسات عمومی یا خصوصی می‌شود که عمداً یا با بی‌مبالاتی شرایط گرسنگی یا سوءتغذیه را پدید می‌آورند (۲۴).

در آلمان، علاوه بر مکانیسم‌های رفاهی قوی، حقوق کیفری در قالب جرم‌انگاری نقض وظایف والدین یا قیم در تأمین غذای کودک، مجازات سوءمدیریت نهادهای رفاهی و تحریم رفتارهای تبعیض‌آمیز در توزیع منابع عمومی عمل می‌کند. ماده ۲۲۳ قانون جزای آلمان که به آسیب جسمانی عمدی می‌پردازد، به گونه‌ای تفسیر شده که در برخی پرونده‌های قضایی، «امتناع از تغذیه کودک یا سالمند تحت مراقبت» به مثابه نوعی آسیب عمدی تلقی و تعقیب کیفری شده است (۲۵).

در بریتانیا، حقوق کیفری در ارتباط با حق تغذیه بیشتر به صورت حمایتی و محافظتی نسبت به اقشار آسیب‌پذیر، به ویژه کودکان و سالمندان، اجرا می‌شود. در نظام حقوقی این کشور، مجموعه‌ای از مقررات موسوم به Safeguarding Acts وجود دارد که بر اساس آن، قصور در تغذیه مناسب کودک از سوی والدین، قیم یا مؤسسات مراقبتی، مشمول تعقیب کیفری می‌شود، حتی در برخی پرونده‌ها، نهادهای دولتی نیز به سبب «قصور در نظارت» مورد مسئولیت واقع شده‌اند (۲۶).

یکی از نوآوری‌های کشورهای توسعه‌یافته در زمینه ترکیب حقوق کیفری با حق تغذیه، استفاده از مفهوم «عدالت کیفری اجتماعی» است؛ مفهومی که بر پیوند ناگسستنی بین فقر، طرد اجتماعی و جرم تأکید دارد و نظام عدالت کیفری را مکلف می‌داند که نه فقط واکنشی نسبت به جرم، بلکه نهادی در خدمت عدالت اجتماعی باشد. در این راستا، برخی کشورها مانند نروژ و سوئد، قوانین خاصی در زمینه ممنوعیت تبعیض غذایی و جرم‌انگاری محروم‌سازی اقلیت‌ها یا مهاجران از منابع غذایی عمومی تصویب کرده‌اند (۲).

همچنین در سطح اتحادیه اروپا، سیاست کیفری با راهبردهای «پیشگیری وضعی» و «پیشگیری اجتماعی» تلفیق شده است. برای نمونه، اتحادیه اروپا در سند سیاستی « European Pillar of Social Rights» (۲۰۱۷ م.) صراحتاً بر مسئولیت کیفری دولت‌ها در برابر گرسنگی سیستماتیک و نابرابری‌های غذایی تأکید می‌کند و از دولت‌ها می‌خواهد تا با اصلاح قوانین کیفری، محروم‌سازی ساختاری از غذا را جرم‌انگاری کنند.

از منظر تطبیقی، این کشورها تلاش کرده‌اند تا بین رویکرد حمایتی (تضمین مثبت دسترسی به غذا از طریق سیاست‌های رفاهی و یارانه‌ای) و رویکرد واکنشی (برخورد کیفری با مسببان گرسنگی یا سوءتغذیه) تعادل ایجاد کنند. چنین سیاستی موجب شده که حقوق کیفری نه‌تنها در قالب ابزار مجازات، بلکه به عنوان بخشی از راهبرد کلی امنیت غذایی و عدالت اجتماعی عمل کند.

در نهایت، تجربه کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که حقوق کیفری می‌تواند ابزاری مؤثر برای تضمین حق تغذیه باشد، مشروط بر آنکه با مفاهیم پیشرفته‌تری چون عدالت غذایی، مسئولیت نهادی و پیشگیری اجتماعی هم‌افزا شود. این کشورها توانسته‌اند با بهره‌گیری هوشمندانه از جرم‌انگاری هدفمند، از نهادهای عمومی و خصوصی پاسخگویی کیفری مطالبه کنند و از تبدیل فقر غذایی به ساختار دائمی زندگی شهروندان جلوگیری نمایند.

نقش حقوق کیفری در تضمین حق تغذیه در کشورهای توسعه‌یافته به عنوان یکی از ستون‌های اصلی حمایت از حقوق بشر و سلامت عمومی به شمار می‌آید و این کشورها از طریق قانونگذاری دقیق و اجرای سختگیرانه، به مقابله با انواع نقض‌های مرتبط با امنیت غذایی پرداخته‌اند. حق تغذیه در این کشورها به عنوان یک حق اساسی و غیر قابل تفکیک از دیگر حقوق بشری شناخته شده و قوانین کیفری به عنوان

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

ابزار بازدارنده در برابر اقدامات تهدیدکننده این حق، مورد توجه جدی قرار گرفته است. در ایالات متحده آمریکا، قوانین متعددی از جمله «قانون ایمنی غذا و دارو (Food and Drug Administration Act)» و «قانون حمایت از مصرف‌کننده (Consumer Protection Act)» وضع شده‌اند که جرائمی مانند فروش مواد غذایی آلوده، تقلب در برچسب‌گذاری، احتکار مواد غذایی و ارائه محصولات فاسد را جرم‌انگاری کرده و برای آن‌ها مجازات‌های کیفری و مدنی تعیین کرده‌اند (۲۸-۲۷). این قوانین علاوه بر حفاظت از سلامت مصرف‌کننده، امنیت غذایی را به عنوان یک ضرورت عمومی تضمین می‌کنند و بر مسئولیت‌های قانونی تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و فروشندگان تأکید می‌ورزند.

اهمیت نقش حقوق کیفری در کشورهای توسعه‌یافته تنها محدود به جرائم مستقیم علیه امنیت غذایی نمی‌شود، بلکه از طریق سازوکارهای پیشگیرانه و حمایتی نیز ظهور می‌یابد. سیاست‌های کیفری این کشورها به گونه‌ای طراحی شده که آموزش عمومی، اطلاع‌رسانی و همکاری بین نهادهای نظارتی، قضایی و اجرایی را در دستور کار قرار می‌دهند تا از بروز سوءتغذیه و محرومیت غذایی پیشگیری شود (۲۹). در این چهارچوب، برنامه‌های آموزشی برای تولیدکنندگان، تأمین‌کنندگان و مصرف‌کنندگان به منظور ارتقای آگاهی درباره سلامت غذایی و حقوق مرتبط با تغذیه اجرا می‌شود. این اقدامات باعث شده است که جرائم مرتبط با نقض حق تغذیه به شدت کاهش یابد و در عین حال، زمینه‌ای برای حفظ عدالت اجتماعی و ارتقای سلامت عمومی فراهم شود (۳۰).

از منظر حقوق بین‌الملل، کشورهای توسعه‌یافته نقش فعالانه‌ای در تصویب و اجرای معاهدات و کنوانسیون‌های مرتبط با حق تغذیه ایفا کرده‌اند. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اعلامیه جهانی حقوق بشر، به طور صریح حق دسترسی به غذای کافی و سالم را به رسمیت شناخته‌اند و کشورهای توسعه‌یافته موظف به تضمین اجرای این حقوق در سطح ملی و بین‌المللی شده‌اند (۱۰). این تعهدات بین‌المللی به عنوان مبنایی برای توسعه قوانین داخلی در زمینه حقوق کیفری مورد استفاده قرار گرفته‌اند و موجب شده است که حقوق کیفری در این کشورها به یکی از مهم‌ترین ابزارهای تضمین حق تغذیه بدل شود.

نقش حقوق کیفری در تضمین حق تغذیه در کشورهای در حال توسعه به دلیل شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خاص این کشورها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و چالش‌های متعددی را پیش رو دارد. برخلاف کشورهای توسعه‌یافته که توانسته‌اند با تدوین و اجرای قوانین کیفری جامع، امنیت غذایی و حق تغذیه را در سطح قابل قبولی تضمین کنند، کشورهای در حال توسعه به دلیل ضعف در زیرساخت‌های قانونی، کمبود منابع مالی و نبود نهادهای نظارتی مؤثر، با مشکلات گسترده‌ای در حمایت از حق تغذیه مواجه‌اند. این وضعیت منجر به بروز انواع نقض‌های حقوقی و انسانی می‌شود که پیامدهای اجتماعی و اقتصادی عمیقی دارد.

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، مقررات کیفری مرتبط با امنیت غذایی یا بسیار ناقص است یا اجرای آن به دلیل ضعف دستگاه قضایی و فساد گسترده با مشکل مواجه است. برای مثال در کشورهای آفریقایی و آسیایی، جرم‌انگاری مواردی مانند احتکار غذا، فروش مواد غذایی فاسد یا تقلب در برچسب‌گذاری به صورت پراکنده و با مجازات‌های ناکافی وجود دارد که کارایی لازم را برای پیشگیری و مقابله با سوءتغذیه ندارد (۳۰). علاوه بر این، بسیاری از تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان غیر رسمی که در بازارهای محلی فعالیت می‌کنند، زیر ذره‌بین قانون نیستند و فعالیت‌های آنان موجب کاهش کیفیت مواد غذایی و افزایش خطرات تغذیه‌ای می‌شود (۳۱).

کمبود نهادهای نظارتی قدرتمند و عدم هماهنگی میان دستگاه‌های مرتبط، از جمله وزارت بهداشت، دادگستری و سازمان‌های حمایتی، موجب شده که بسیاری از پرونده‌های نقض حق تغذیه یا حتی جرائم مرتبط با ایمنی غذا، بدون پیگرد مؤثر باقی بماند (۳۲). این وضعیت به ویژه در مناطق روستایی و مناطق محروم بیشتر به چشم می‌آید، جایی که دسترسی به امکانات قانونی و خدمات قضایی محدود است و

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

مردم به دلیل فقر و ناآگاهی قادر به دفاع از حقوق خود نیستند.

از منظر حقوق بین‌الملل، کشورهای در حال توسعه معمولاً تحت فشارهای بین‌المللی قرار دارند تا به تعهدات خود در زمینه تضمین حق تغذیه عمل کنند، اما فقدان منابع مالی و ساختارهای قانونی ضعیف مانع از اجرای کامل این تعهدات می‌شود (۳۳). در برخی موارد، حمایت‌های حقوقی محدود به متون قانونی می‌شود و برنامه‌های عملیاتی و نظارتی در این زمینه به خوبی توسعه نیافته‌اند.

در عین حال، برخی کشورها تلاش‌هایی در جهت اصلاح قوانین کیفری و تقویت نظام قضایی خود انجام داده‌اند. به عنوان نمونه، در برخی کشورهای آمریکای لاتین و جنوب شرق آسیا، قانونگذاران با توجه به اهمیت امنیت غذایی، مقررات جدیدی برای مقابله با جرائم غذایی تصویب کرده‌اند که شامل مجازات‌های شدیدتر برای فروش مواد غذایی ناسالم و حمایت از مصرف‌کنندگان آسیب‌پذیر است (۳۴). این اقدامات، هرچند قدمی مثبت است، اما نیازمند حمایت‌های مالی و فنی برای اجرای مؤثر و پایدار است.

در مجموع، در کشورهای در حال توسعه، حقوق کیفری هنوز به طور کامل نقش خود را در تضمین حق تغذیه ایفا نکرده است و موانع ساختاری و نهادی فراوانی در این مسیر وجود دارد. برای بهبود وضعیت، تقویت نهادهای نظارتی، آموزش حقوقی عمومی، ارتقای همکاری بین‌دستگاهی و جلب حمایت‌های بین‌المللی، از جمله راهکارهای اساسی محسوب می‌شود که می‌تواند زمینه‌ساز تحقق عملی‌تر حق تغذیه در این کشورها گردد.

وجه اشتراک اساسی میان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در این است که در هر دو، حقوق کیفری مکمل سیاست‌های عمومی در تضمین حق تغذیه تلقی می‌شود، اما تفاوت در آن است که در کشورهای توسعه‌یافته، نقش حقوق کیفری بیشتر به حوزه ایمنی و سلامت غذا محدود می‌شود و تأمین غذا از طریق سیاست‌های رفاهی تحقق می‌یابد، در حالی که در کشورهای در حال توسعه، حقوق کیفری ابزاری برای کنترل بحران‌های مزمن کمبود غذا و بی‌عدالتی در توزیع است.

نکته قابل توجه در کشورهای توسعه‌یافته تمرکز بر پیشگیری، آموزش و همکاری بین نهادهای مختلف است، در حالی که در کشورهای در حال توسعه، به ویژه ایران، بیشتر تمرکز بر جرم‌انگاری و برخورد با تخلفات پس از وقوع است که این رویکرد محدودیت‌های جدی در بهبود وضعیت امنیت غذایی ایجاد می‌کند. برای ارتقای نقش حقوق کیفری در تضمین حق تغذیه در کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، لازم است ضمن اصلاح قوانین، ظرفیت‌های نهادی تقویت شده و همکاری بین دستگاه‌های مختلف افزایش یابد تا رویکردی جامع و پیشگیرانه جایگزین اقدامات واکنشی شود.

با وجود این، بسیاری از صاحب‌نظران حقوق بشر معتقدند استفاده بیش از حد از ابزار کیفری بدون ایجاد زیرساخت‌های حمایتی و نظام تأمین اجتماعی مؤثر، نه‌تنها تضمین‌کننده حق تغذیه نیست، بلکه ممکن است به سرکوب و نقض آزادی‌های مدنی منجر شود، لذا در چهارچوب اصل تناسب و حداقلی بودن مداخله کیفری (Ultima Ratio)، توصیه می‌شود که کشورها به جای اتکای افراطی بر سیاست جنایی، به تقویت نهادهای رفاه عمومی، آموزش تغذیه‌ای، و مشارکت مردمی در تحقق عدالت غذایی توجه بیشتری نشان دهند (۳۵).

اگرچه حقوق کیفری در هر دو گروه کشورها نقش قابل توجهی در حمایت از حق تغذیه دارد، اما کارایی آن در گرو تلفیق هوشمندانه با سیاست‌های حمایتی، اقتصادی و فرهنگی است. در کشورهای در حال توسعه، حرکت به سوی تدوین قوانین کیفری هدفمند، جرم‌انگاری دقیق نقض حق تغذیه و ایجاد امکان طرح شکایت قضایی از سوی شهروندان می‌تواند گامی مؤثر در جهت تحقق این حق بنیادین باشد.

به طور خلاصه، در حالی که کشورهای توسعه‌یافته توانسته‌اند با سیستم‌های حقوقی و کیفری پیشرفته و نهادهای نظارتی قوی به سطح بالایی از تضمین حق تغذیه برسند، کشورهای در حال توسعه به دلیل موانع متعدد اقتصادی، نهادی و اجتماعی هنوز در مسیر تحقق کامل این حق با چالش‌های

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

اساسی رو به رو هستند. تقویت نهادهای قضایی، بهبود قوانین کیفری و توسعه سیاست‌های پیشگیرانه از راهکارهای کلیدی برای رفع این چالش‌ها محسوب می‌شوند.

نقش حقوق کیفری در تضمین حق تغذیه در ایران در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، هم نقاط اشتراک و هم تفاوت‌های قابل توجهی دارد که این موارد را می‌توان در سه سطح بررسی کرد. در کشورهای توسعه‌یافته، ساختارهای حقوقی و نهادی بسیار قوی و پیشرفته است و حقوق کیفری نقش محوری در محافظت از امنیت غذایی ایفا می‌کند؛ این کشورها با بهره‌گیری از قوانین جامع و دقیق، جرم‌انگاری فروش و توزیع مواد غذایی ناسالم یا فاسد را به گونه‌ای انجام می‌دهند که به طور مؤثر از سلامت عمومی محافظت می‌شود و نظام‌های نظارتی مستمر و فناوری‌های پیشرفته کنترل کیفیت در تمام زنجیره تأمین به کار گرفته می‌شود (۳۶)؛ این کشورها همچنین با تأکید بر آموزش عمومی و پیشگیری از وقوع جرم، تلاش می‌کنند تا سطح رعایت حق تغذیه را بالا نگه دارند و در مواجهه با نقض این حق، برخوردهای کیفری و قضایی مؤثری صورت می‌گیرد.

ایران به عنوان کشوری در حال توسعه، وضعیتی میان این دو دسته دارد. قوانین کیفری مرتبط با امنیت غذایی و حق تغذیه در ایران از حیث متون قانونی نسبتاً کامل است، اما مشکلات اجرایی، محدودیت‌های مالی و نارسایی‌های نهادی مانع از تحقق کامل این حقوق شده‌اند. با وجود جرم‌انگاری فروش مواد غذایی فاسد در قانون مجازات اسلامی و وجود مقررات بهداشتی، ضعف نظارت و کمبود آموزش عمومی باعث شده تا مشکلات مربوط به تأمین تغذیه کافی و سالم همچنان پا بر جا باشد (۳۷). همچنین نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی در ایران یکی از مهم‌ترین عوامل نقض حق تغذیه محسوب می‌شود که کمتر در قالب مقررات کیفری مورد توجه قرار گرفته است.

ایران در این میان وضعیت پیچیده‌ای دارد که ترکیبی از ویژگی‌های کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه را در خود دارد. قوانین کیفری ایران در زمینه مواد غذایی از حیث متون قانونی نسبتاً جامع است و جرم‌انگاری فروش مواد غذایی ناسالم و فاسد در قانون مجازات اسلامی دیده شده است، همچنین مقررات مربوط به بهداشت عمومی و کنترل کیفی مواد غذایی وجود دارد (۳۹-۳۸)، اما ضعف‌های اجرایی، کمبود تجهیزات نظارتی، مشکلات اقتصادی ناشی از تحریم‌ها و نابرابری‌های منطقه‌ای و اجتماعی باعث شده‌اند که این قوانین به طور کامل اجرا نشوند و بسیاری از نقض‌های حق تغذیه ادامه یابند (۴۰). برخلاف کشورهای توسعه‌یافته که بیشتر بر پیشگیری و آموزش تکیه دارند، در ایران هنوز سیاست‌های کیفری اغلب واکنشی است و فرصت‌های پیشگیری کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

برخلاف کشورهای توسعه‌یافته که رویکردی پیشگیرانه و جامع در نظام حقوق کیفری خود دارند، ایران هنوز بیشتر به واکنش‌های کیفری پس از وقوع تخلفات متکی است و اقدامات پیشگیرانه به اندازه کافی توسعه نیافته است. این امر موجب شده است که نظام کیفری ایران نتواند به نحو مطلوب از حق تغذیه حمایت کند و مشکلاتی مانند توزیع نابرابر مواد غذایی، افزایش عرضه محصولات ناسالم و عدم توانایی در مقابله با تخلفات گسترده در بازارهای مواد غذایی همچنان ادامه داشته باشد. در این زمینه آموزش عمومی، تقویت فرهنگ حقوقی و هماهنگی بیشتر بین نهادهای قضایی، انتظامی، بهداشتی و نظارتی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند.

به طور کلی می‌توان گفت که حق تغذیه به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری، نیازمند حمایت مستمر و همه‌جانبه است و حقوق کیفری در این مسیر نقش کلیدی ایفا می‌کند. کشورهای توسعه‌یافته با تکیه بر نظام حقوقی منسجم، فناوری‌های نوین و سیاست‌های پیشگیرانه توانسته‌اند این حق را تا حد قابل قبولی تضمین کنند، در حالی که کشورهای در حال توسعه با محدودیت‌های ساختاری و نهادی در این زمینه دچار مشکلات فراوانی هستند. ایران با وجود پیشرفت‌های قانونی، هنوز نیازمند اصلاحات و توسعه جدی در بخش‌های اجرایی و نهادی است تا بتواند به تعهدات بین‌المللی خود عمل کرده و حق تغذیه را به صورت واقعی و عملی برای تمامی اقشار جامعه فراهم آورد. این امر مستلزم برنامه‌ریزی استراتژیک، افزایش همکاری بین نهادها و ارتقای آگاهی

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

عمومی در زمینه حقوق غذایی است که می‌تواند زیربنای تحقق عدالت اجتماعی و سلامت عمومی پایدار باشد.

نتیجه‌گیری

حق تغذیه، به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر، پیوندی تنگاتنگ با حق حیات، حق سلامت و کرامت انسانی دارد و بر این اساس، نادیده‌گرفتن آن به معنای نقض آشکار اصول بنیادین حقوق بشری است. بررسی تطبیقی نقش حقوق کیفری در تضمین این حق نشان می‌دهد که گرچه قوانین کیفری در بسیاری از نظام‌های حقوقی نقش بازدارنده و حمایتی مهمی دارند، اما میزان کارایی آن‌ها به شدت تحت تأثیر شرایط اقتصادی، اجتماعی و نهادی کشورها قرار می‌گیرد. در کشورهای توسعه‌یافته، ساختارهای حقوقی و کیفری همسو با سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی گسترده طراحی شده‌اند و همین امر موجب شده است که جرم‌انگاری‌های مرتبط با امنیت غذایی کارکردی واقعی و مؤثر پیدا کنند. اتحادیه اروپا و ایالات متحده نمونه‌هایی بارز از کشورهایی هستند که با ایجاد نظام‌های جامع نظارت، استفاده از فناوری‌های پیشرفته در پایش کیفیت مواد غذایی و آموزش عمومی، توانسته‌اند حقوق کیفری را نه به عنوان ابزاری صرفاً تنبیهی، بلکه به عنوان بخشی از نظام پیشگیرانه و تضمینی برای تحقق حق تغذیه به کار گیرند، اما در کشورهای در حال توسعه، وضعیت متفاوت است، هرچند این کشورها در اسناد حقوقی و قوانین داخلی خود، حق تغذیه و جرم‌انگاری نقض آن را به رسمیت شناخته‌اند، ضعف‌های ساختاری، فساد اداری، کمبود منابع مالی و انسانی و نبود هماهنگی نهادی مانع از تحقق عملی این حق شده است. در چنین شرایطی، حقوق کیفری بیشتر نقشی واکنشی و پسینی ایفا می‌کند، یعنی پس از وقوع جرم و نقض حق تغذیه وارد عمل می‌شود و توان بازدارندگی و پیشگیری لازم را ندارد. همین امر موجب شده است که مسائل مربوط به سوءتغذیه، توزیع نابرابر غذا و عرضه مواد غذایی ناسالم در بسیاری از کشورهای در حال توسعه همچنان حل‌نشده باقی بماند، ایران در این میان وضعیتی بینابینی دارد. قوانین کیفری ایران در حوزه مواد غذایی، از جمله قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲ ش.) و قانون اصلاح قانون مواد خوردنی و آشامیدنی (۱۳۳۷ ش.)، به طور نسبی جامع و مانع هستند و جرم‌انگاری‌هایی مانند فروش مواد غذایی فاسد یا تقلبی در آن‌ها تصریح شده است. با این حال، مشکل اصلی در حوزه اجرا و نظارت آشکار می‌شود. ضعف هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی، نبود سازوکارهای نظارتی هوشمند، محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های اقتصادی و وجود نابرابری‌های منطقه‌ای، سبب شده که این قوانین در عمل نتوانند کارایی کامل داشته باشند (۳۸). در واقع، در حالی که کشورهای توسعه‌یافته بر پیشگیری، آموزش و نهادسازی تأکید دارند، ایران همچنان بیشتر بر واکنش‌های کیفری پس از وقوع جرم متکی است.

از منظر انتقادی، می‌توان گفت که حقوق کیفری در ایران هنوز جایگاه واقعی خود را در تضمین حق تغذیه نیافته است، هرچند در سطح تقنینی، بسیاری از خلأهای قانونی پوشش داده شده، اما در سطح اجرایی، ناکارآمدی نهادهای نظارتی و پراکندگی وظایف میان سازمان‌های مختلف مانع از تحقق عملی این حق شده است. در چنین شرایطی، صرف اتکا به حقوق کیفری نمی‌تواند راهگشا باشد، بلکه لازم است حقوق کیفری در پیوندی نظام‌مند با سیاست‌های اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی به کار گرفته شود تا نقش مکمل و تضمینی خود را ایفا کند. تجربه کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که موفقیت در تضمین حق تغذیه تنها زمانی ممکن است که حقوق کیفری به عنوان آخرین ابزار و در کنار سیاست‌های پیشگیرانه، حمایتی و اجتماعی به کار گرفته شود. این کشورها توانسته‌اند با جرم‌انگاری دقیق، نهادسازی مؤثر، شفافیت نهادی و آموزش عمومی، هم سطح آگاهی مردم را ارتقا دهند و هم بازدارندگی واقعی در برابر تهدیدات امنیت غذایی ایجاد کنند. در مقابل، کشورهای در حال توسعه و ایران باید به جای تمرکز صرف بر واکنش کیفری، به سمت اصلاح ساختارهای نظارتی، توسعه ابزارهای پیشگیرانه، تقویت همکاری بین‌نهادی و ارتقای آگاهی عمومی حرکت کنند.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

در جمع‌بندی می‌توان گفت که حقوق کیفری در تضمین حق تغذیه نقشی حیاتی، اما محدود دارد. این حوزه زمانی کارآمد خواهد بود که در بستری جامع‌تر از سیاست‌های اجتماعی و اقتصادی قرار گیرد. برای ایران، فرصت‌های اصلاحی و الگوبرداری از کشورهای توسعه‌یافته وجود دارد و تعهدات بین‌المللی، به ویژه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، می‌تواند محرکی جدی برای حرکت در این مسیر باشد. در غیر این صورت، فاصله میان متن قانون و واقعیت اجتماعی همچنان باقی خواهد ماند و تحقق عملی حق تغذیه با موانع جدی مواجه خواهد شد. در مجموع پیشنهادات زیر قابل طرح است:

۱ـ تدوین قانون جامع درباره امنیت غذایی و شناسایی صریح حق تغذیه به عنوان حق اجتماعی قابل مطالبه. یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای حمایت کیفری مؤثر از حق تغذیه، شناسایی این حق در قوانین داخلی است. در حال حاضر، در حقوق ایران، حق تغذیه به طور مستقیم در قوانین عادی مورد تصریح قرار نگرفته و صرفاً به صورت ضمنی در اصول ۳ و ۴۳ قانون اساسی آمده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود قانونی مستقل تحت عنوان «قانون امنیت غذایی» تدوین شود که در آن، «حق بر غذای کافی، سالم و در دسترس» به صراحت به عنوان حق شهروندان تعریف شود و دولت را به تأمین آن موظف کند. این قانون باید مشخص کند که در چه مواردی، نقض این حق جنبه کیفری پیدا می‌کند؛

۲ـ اصلاح و به‌روزرسانی قوانین کیفری مرتبط با تغذیه بازنگری در قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲ ش.) و قانون اصلاح مواد خوردنی و آشامیدنی (۱۳۳۷ ش.) با هدف پوشش جرائم نوظهور مانند تولید محصولات تراریخته بدون نظارت، استفاده از مواد افزودنی غیر مجاز و عرضه محصولات تقلبی. این اصلاحات باید همسو با استانداردهای بین‌المللی و اسناد حقوق بشری باشد (۳۸)؛

۳ـ تقویت سازوکارهای نظارتی و اجرایی ایجاد و توسعه سامانه‌های هوشمند پایش و ردیابی مواد غذایی، تشکیل پایگاه داده ملی برای کنترل کیفیت و سلامت محصولات و افزایش ظرفیت سازمان غذا و دارو و دستگاه قضایی در کشف و برخورد سریع با جرائم غذایی؛

۴ـ ایجاد سازوکارهای قضایی و شبه‌قضایی برای طرح شکایت در صورت نقض حق تغذیه.

حق تغذیه باید به گونه‌ای تعریف شود که قابل شکایت و پیگیری قضایی باشد. پیشنهاد می‌شود کمیته‌ای مستقل در دیوان عدالت اداری یا زیر نظر قوه قضاییه ایجاد شود که رسیدگی به شکایات مردمی در زمینه نقض حق تغذیه را بر عهده گیرد. همچنین تقویت نقش سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات در نظارت بر نحوه توزیع و تخصیص منابع غذایی دولتی، می‌تواند جنبه پیشگیرانه داشته باشد؛

۵ـ جرم‌انگاری فساد و سوءاستفاده در نظام توزیع غذا با اولویت برخورد کیفری. در بسیاری از مناطق محروم، فساد اداری و انحصارطلبی در زنجیره تأمین غذا مانعی جدی برای دسترسی عادلانه به تغذیه است. پیشنهاد می‌شود علاوه بر جرم‌انگاری چنین رفتارهایی، مجازات‌ها با توجه به پیامدهای گسترده انسانی آن‌ها تشدید شود. به عنوان مثال، اگر سوءمدیریت یا فساد در سیستم توزیع غذا منجر به سوءتغذیه یا مرگ اقشار ضعیف شود، باید تحت عناوینی مانند «جنایت علیه رفاه عمومی» یا «قتل غیر مستقیم» پیگرد قانونی یابد؛

۶ـ آموزش و ارتقای آگاهی حقوقی و اجتماعی نسبت به حق تغذیه. یکی از دلایل بی‌توجهی به حق تغذیه، نبود آگاهی عمومی و حقوقی نسبت به آن است. پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزش همگانی در رسانه‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها و نهادهای مدنی، حق تغذیه را به عنوان یک حق انسانی و قانونی معرفی کنند تا مردم بتوانند موارد نقض آن را تشخیص دهند و مطالبه کنند.

مشارکت نویسندگان

سیدسجاد کاظمی: طراحی ایده، مرور و بازبینی متن مقاله، تدوین کلی مقاله، اصلاح نهایی.

آهو رسولی: جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل، نگارش اولیه.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

بیانیه هوش مصنوعی

در نگارش مقاله، از هوش مصنوعی استفاده نشده است.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

References

1. UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights. General Comment No.12: The Right to Adequate Food. 1999.

2. De Schutter O. International human rights law. Cambridge: Cambridge University Press; 2019.

3. FAO. Food Security and Nutrition: Building Resilience for Peace and Food Security. Rome: Economic and Social Council; 2019.

4. Ranjbar M. The Right to Food and Its Review in International Documents and Iranian Laws. Journal of Public Law. 2023; 7(41): 112-137. [Persian]

5. WHO. Malnutrition - Key Facts. Geneva: World Health Organization; 2021.

6. World Bank. The Cost of Malnutrition: Why Policy Action is Urgent. Washington, D.C: World Bank Group; 2018.

7. Ahmadi M. A review of Iran's economic penal policy. Criminal Policy Quarterly. 2021; 4(15): 19-40. [Persian]

8. Ziegler J. The Right to Food. New York, N.Y: United Nations Special Rapporteur Report; 2023.

9. Charlesworth H. Universal Declaration of Human Rights (1948). Max Planck Encyclopedia of Public International Law. 2008.

10. United Nations. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights. 1966.

11. Assembly UG. Convention on the Rights of the Child. United Nations, Treaty Series. 1989; 1577(3): 1-23.

12. Englehart NA, Miller MK. The CEDAW effect: International law's impact on women's rights. Journal of Human Rights. 2014; 13(1): 22-47.

13. FAO. Food Security Policy Brief. Rome: Economic and Social Council; 2006.

14. Mohammadi I. Criminal Policy and Judicial Justice. Tehran: Mizan Publications; 2020. [Persian]

15. Ettehad SS, Tavakolinia J, Rahnama M. A Comparative Study of Policies and Laws, and Leadership Statements on Food Security Based on Good Governance Principles. Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies. 2024; 12(46): 210-232. [Persian]

16. Nikbin F. Public health and criminal liability arising from food threats. Iranian Journal of Criminal Law. 2021; 4(18): 65-84. [Persian]

17. Rahmani L. Food Security and Human Rights in Iran. Quarterly Journal of Social Welfare. 2019; 18(68): 142-161. [Persian]

18. Iran. Law on Punishment of Offenders against the Economic System of the Country. Approved 1990/07/10. Official Gazette of the Country, No.13047, 1990/08/22. [Persian]

19. Kaabi Rad S, Rezaei A, Tooti F, Karimi F. Criminal and civil protection for the violation of trade secrets in Iranian criminal law. Quarterly Journal of Economic Jurisprudence Studies. 2024; 6(2): 193-208. [Persian]

20. Iran. Civil Code of the Islamic Republic of Iran. Article 9. Available at: https://rc.majlis.ir/fa/law/show/97937. [Persian]

21. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR). United Nations Treaty Series. 1997; 16(72): 1-23.

22. Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR). General comment No.12: The right to adequate food (Art.11). E/C.12/1999/5. 1999. Available at: https://undocs.org/E/C.12/1999/5.

23. Kotze HC, Qotoyi MS, Bahta YT, Jordaan H, Monteiro MA. A systematic review and meta-analysis of factors influencing water use behaviour and the efficiency of agricultural production in South Africa. Resources. 2024; 13(7): 85-99.

24. Martini G, Bracci A, Riches L, Jaiswal S, Corea M, Rivers J, et al. Machine learning can guide food security efforts when primary data are not available. Nature Food. 2022; 3(9): 716-728.

25. Aubry C. Agricultures urbaines et adaptation des systèmes agricoles et alimentaires aux changements globaux. Madrid: Coage; 2020. [Spanish]

26. Kube M, Jefferson B, Fan L, Roddick F. The impact of wastewater characteristics, algal species selection and immobilisation on simultaneous nitrogen and phosphorus removal. Algal Research. 2018; 31(112): 478-488.

27. FAO. Legal Frameworks for the Right to Food: International and Domestic Dimensions. 2014.

28. Andrei S, Droc G, Stefan G. FDA approved antibacterial drugs: 2018-2019. Discoveries. 2019; 7(4): e102.

29. Federal Trade Commission. Reports in Response to Senate Appropriations Committee Report 116-111 on the FTC's Use of Its Authorities and the Resources used and needed to Protect Consumer Privacy and Security. 2020.

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.

30. Gostin LO, Powers M. What does social justice require for the public's health? public health ethics and policy imperatives. Health Affairs. 2006; 25(4): 1053-1060.

31. World Health Organization. WHO MERS global summary and assessment of risk, July 2019. Geneva: World Health Organization; 2019.

32. UNICEF. The State of the World's Children 2020. 2020.

33. FAO. The State of Food Insecurity in the World. 2014.

34. Stromquist NP. World Development Report 2019: The changing nature of work: By the World Bank. Washington, DC: World Bank; 2019. p.151.

35. UN Special Rapporteur on the Right to Food. Final Report to the UN General Assembly. 2014.

36. Norman FF, López-Vélez R. Chagas disease: comments on the 2018 PAHO Guidelines for diagnosis and management. Journal of Travel Medicine. 2019; 26(7): taz060.

37. Bürgin A. The European commission. In Environmental Policy in the EU 2021 May 6. London: Routledge; 2021. p.93-109.

38. Hosseini A. Criminal Law of Food in Iran. Tehran: Samt Publications; 2021. [Persian]

39. Seyedzadeh SM. Guidebook of Islamic Penal Code 92. Tehran: Khorsandi Publications; 2018. [Persian]

40. Babaei A. Iran's Criminal Policy in Protecting Food Consumers. Law Studies. 2019; 29(4): 63-76. [Persian]

[Downloaded from mail.healthlawjournal.ir on 2026-11-18]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت سینا می‌باشد.